فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره جدید، شماره هفدهم، بهار ۱۳۹۸، صص ٤٤١-٤٢١ New Period, No 17, 2019, P 421-441
شماره شاپا (۲٤۷٦-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

حوزه های نقد در طنزهای سعید بیابانکی

علی‌اکبر شیبانی جم[۱]. مصطفی گرجی[۲]
۱. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی
۲. دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشیار دانشگاه پیام نور تهران . ایران
gorjim111@yahoo.com

چکیده

در این پژوهش ابعاد نقد در حوزه نهادهای اجتماعی در سه مجموعه طنز بیابانکی یعنی «ضدحالات»، «هی شعر تر انگیزد» و «سکته ملیح» بررسی می‌شود. برای این منظور آثار وی و سپس مجموعه‌های وی بر مبنای نهادهای اجتماعی تحلیل می‌شود. بیابانکی را باید منتقد اجتماعی و نویسنده‌ای دانست که از لحاظ تفکر و شیوه‌ی نگاه به مسائل بسیار روشن بین و آزاداندیش است. وی یک طنزپرداز اجتماعی ـ اخلاقی محسوب می‌شود. هر اتفاق و رویدادی که مرتبط و در پیوند با زندگی اجتماعی اقشار مردم باشد موضوع طنز بیابانکی قرارگرفته است. شیوه تحقیق توصیفی- تحلیلی است و نتایج تحقیق بر مبنای داده‌های کمی و کیفی بررسی می‌شود.

بیابانکی درست مانند شهروندی که هر روز و هر لحظه در بطن و متن اجتماع حاضر است و با دقت و تیزبینی و بسیار موشکافانه به امور اطراف خود توجه دارد. با مطالعه‌ی آثار او در تمام نهادهای اجتماعی و ابعاد نقد مشخص می‌شود که در مجموعه ضد حالات نهادحقوقی و سیاسی، در مجموعه هی شعر تر انگیزد سیاست و اقتصاد و در سکته ملیح سیاست و اخلاق بیشترین انتقادها داشته است. از اطرف دیگر کمترین طنزها در ارتباط با نهاد دینی است.

واژه‌های کلیدی: طنز، نقد، نهادهای اجتماعی، سعید بیابانکی.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

۱- مقدمه

«سعید بیابانکی به سال ۱۳۴۶ ه. ش در خمینی شهر اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همان شهر گذراند و در رشته مهندسی کامپیوتر دانشگاه اصفهان فارغ التحصیل شد. از سال ۱۳۶۴ هجری به اهالی آباد سرسبز شعر و ادب پیوست و آثارش در صفحات ادبی مطبوعات کشور به چاپ رسیده است.» (کافی، ۱۳۸۸: ۷۰۱)

بزرگترین دغدغه ی فکری بیابانکی در این آثار، رفاه و آسایش طبقات مختلف جامعه است ضمن اینکه نگاه او به طبقات پایین تر و افراد کم درآمد مردم عمیق تر و مسئولانه تر است. هر مشکل و کمبودی که در هر زمینه ای از زندگی این افراد وجود داشته موضوع طنز بیابانکی قرار گرفته است. از مسأله ی عام و فراگیر گرانی و تورم گرفته تا کمبود امکانات شهری و. . . در این آثار مطرح شده است. همچنین مسائل خاص فرهنگی و اخلاقی نیز مطرح شده و مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. توجه به مشکلات و کمبودهای جامعه تا حدی است که در اغلب اشعار به بیش از دو یا چند مسأله اشاره می‌کند و بسیاری از مسائل طرح شده را به کرات تکرار می کند تا شاید از طریق این تکرار مکرر اهمیت و جایگاه خاص مسأله را یادآور شود.

شاید به عنوان دلیل این تنوع موضوعات بتوان اوضاع خاص آن زمان را هم در نظر گرفت. به هر حال این آثار متعلق به دوره ای است که از بحرانی ترین و سخت ترین دوران تاریخ معاصر ایران محسوب می شود. در واقع باید گفت که مشکلات و کمبودهای فراوان اجتماعی و فرهنگی در این دوران به قدری زیاده بوده که باعث تعدد و تنوع موضوع در این آثار شده است.

با این تحقیق، اولاً حوزه‌هایی که طنزپردازان به نقدآنها مایلند و در مقابل حوزه‌هایی که جزو خطوط قرمز حاکمیت است به طور واضح، مشخص می‌گردد تا راه برای ورود بی‌دغدغه‌ی هنرمندان جوان به این عرصه هموار شود و ثانیاً گریزگاه‌های طنزپردازان که با هنر و نبوغ خود سعی کرده‌اند هم به رسالت هنری خود عمل کنند و هم حساسیت جامعه و حاکمیت سیاسی را برانگیخته نکنند بررسی می شود تا فهم بهتر آثار آنها سبب ارتقای کیفی و کمی آثار تازه‌ی شعر طنز معاصر گردد و همچنین با بررسی محتوایی و فنی و ادبی اشعار سعید بیابانکی گامی در جهت تحلیل زیبایی شناختی شعر طنز معاصر برداشته می‌شود.

روش و ابزار گردآوری اطلاعات: کتابخانه‌ای است و با روش تجزیه‌وتحلیل داده‌ها: انتقادی و تحلیلی این پژوهش انجام می‌شود. قلمرو تحقیق شامل ادبیات انقلاب اسلامی / شعر معاصر / طنز معاصر می‌باشد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

۲- چارچوب نظری پژوهش

۱-۲- طنز؛ ماهیت و تعاریف

امروزه طنز نوع ادبی بسیار مهم و بحث برانگیزی است و در میان انواع ادبی دیگر جایگاه ممتاز و مشخصی دارد؛ با وجود این، در ادبیات کهن ایران، طنز به عنوان نوع ادبی مستقل شناخته نشده است و مرز مشخصی با دیگر مضامین انتقادی و خنده‌آمیز چون هجو و غیر آن ندارد. همچنین از واژه طنز اغلب معنای لغوی آن یعنی تمسخرکردن و طعنه زدن مدنظر شاعران و نویسندگان است. اما در ادب معاصر ایران طنز به معنای امروزی خود که جنبه انتقاد غیرمستقیم اجتماعی با چاشنی خنده که بعد تعلیمی و اصلاح طلبی نیز دارد، نزدیک شده است. در حقیقت طنز معاصر از معادل انگلیسی طنز (satire) که ریشه یونانی (satyros) دارد، اخذ شده است. (صلانی، ۱۳۸۵ :۱۴۰) به این اعتبار، نویسنده یا شاعر با بزرگ نمایی و نمایان تر جلوه دادن جهات زشت و منفی و معایب و نواقص پدیده‌ها و روابط حاکم در حیات اجتماعی در صدد تذکر، اصلاح و برطرف کردن آنها بر می‌آید. طنز (Satire) یا حدّ اقل طنز اجتماعی در ادبیّات ایران، پدیده‌ای ناآشنا به حساب نمی‌آید و در آثار عبید زاکانی و حافظ، گونه‌های مختلفی از آن دیده می‌شود. ارائه‌ی تعریف دقیق، جامع و مانع برای طنز، چندان آسان به نظر نمی‌رسد. این دشواری از یک طرف به علّت ماهیت، ساختار و کارکرد پیچیده‌ی آن است و از طرف دیگر به مرزِ باریک و عموماً لغزنده‌ی این مفهوم با مفاهیم مشابه آن همچون هزل، هجو، فکاهی و. . . مربوط می‌شود. از سوی دیگر، تعیین معادل‌های مناسب فارسی برای این حوزه‌ی وسیع واژگانی، کار تعریف و تعیین چارچوب برای این مفهوم را با آشفتگی و سردرگمی روبه‌رو ساخته‌است. برای مثال، واژه‌ی انگلیسی Satire در ترجمه‌ی فارسی، معادل‌های گوناگونی، همچون هجو، هزل و طنز را پذیرفته‌است. استعمال کلمه‌ی طنز برای انتقادی که به صورت خنده‌آور و مضحک بیان شود، در فارسی معاصر سابقه‌ی طولانی ندارد. هر چند که طنز در تاریخ بیهقی و دیگر آثار قدیم زبان فارسی، به کار رفته‌است، ولی استعمال وسیعی به معنی فعلی کلمه و یا بهتر بگوئیم معنی Satire اروپایی نداشته است. کلمه‌ی Satire که از زبان یونانی می‌آید، در اکثر زبان‌های اروپایی معنای واحدی دارد و اصولاً به آثار طنزآمیز و انتقادی اطلاق می‌شود. در فارسی، عربی و ترکی، کلمه‌ی واحدی که دقیقاً این معنی را در هر سه زبان برساند، وجود نداشته است.

سابقاً در فارسی، «هجو» به کار برده می‌شد که بیشتر جنبه‌ی انتقاد مستقیم و شخصی دارد و جنبه‌ی غیرمستقیم و طنزآمیز بودن «ساتیر» را دارا نیست و اغلب آموزنده و اجتماعی هم نیست. هجو ضدّ مدح است و اصولاً صراحت لفظی که در آن است، نمی‌تواند نظیر لحن طنزآمیزِ «ساتیر» باشد. در فارسی «هزل» را نیز به کار برده‌اند که ضدّ «جدّ» است و بیشتر جنبه‌ی مزاح و مطایبه دارد. (جوادی، ۱۳۸۴: ۱۱) به تعبیر آرین‌پور آن نوع ادبی که در زبان غربی Satire نامیده می‌شود و در فارسی طنز اصطلاح شده است، عبارت از روش ویژه‌ای در نویسندگی است که ضمن دادن تصویری هجوآمیز از جهات زشت و منفی و ناجور زندگی، معایب و مفاسد جامعه و حقایق تلخ اجتماعی را به صورت اغراق‌آمیز، یعنی زشت‌تر و بد

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

ترکیب‌تر از آنچه هست، نمایش می‌دهد تا صفات و مشخّصات آن‌ها روشن‌تر و نماین‌تر جلوه کند و تضادّ عمیق وضع موجود، با اندیشه‌ی یک زندگی عالی آشکار گردد. بدین ترتیب قلم طنزنویس با هر چه که مرده و کهنه و واپس مانده‌است و با هر چه که زندگی را از ترقّی و پیشرفت باز می‌دارد، بی‌گذشت و اغماض مبارزه می‌کند. (آرین‌پور، ۱۳۸۷: ۳۶)

۲-۲- هدف و خاستگاه طنز

اصولاً خاستگاه طنز از آنجا آغاز می‌شود که حقوق دیگران رعایت نشود و آزادی توام با مسوولیت مورد تعدی قرار گیرد و بی بند و باری و هرج و مرج به عنوان آزادی تبلیغ شود و نظام جامعه در مسیر طبیعی خود مورد تهدید قرار گیرد، ستم و تجاوز در اشکال گوناگون چهره نماید و منادیان آزادی، خود عاملان بدبختی فکر و اندیشه و آزادی شوند و ترقی و اعتلا جای خود را به انحطاط و سقوط دهد و پویایی اندیشه و حرکت ناشی از آن، اندک اندک به رکود انجامد.

زرین کوب در این خصوص می نویسد: «هریک از نابسامانی‌ها و بی‌رسمی‌ها، ممکن است سببی برای پیدایش هجو، هزل یا طنز اجتماعی باشد. طنز هرچند با شوخی وخنده همراه است، اما؛ نقدی جدی بر نارسایی‌ها و اشکالات اجتماعی است که قصد سازندگی و اصلاح دارد نه سوزندگی و تخریب.» (زرین کوب، ۱۳۸۱: ۳۵) همچنین آرین‌پور در نقد بودن طنز می‌نویسد: «طنز نویسی بالاترین درجه نقد ادبی است به شرط اینکه حوادث و چهره ها را دگرگون نکند.» (آرین پور، ۱۳۵۱: ۳۶) و نیز در خنده ناک و شوخ طبعی بودن آن می نویسد: «مبنای طنز بر شوخی و خنده است، اما؛ این خنده، خنده شادمانی و شوخی نیست؛ خنده‌ای است تلخ، جدی و دردناک همراه با سرزنش و سرکوفت و کمابیش زننده و نیشدار که با ایجاد ترس و بیم، خطاکاران را به خطای خود متوجه می‌سازد و در مقام تشبیه می‌توان گفت قلم طنز نویس کارد جراحی است نه چاقوی آدم‌کشی. با همه تیزی و برندگیش، جانکاه، موذی و کشنده نیست؛ بلکه آرام بخش و سلامت آور است. زخم‌های پنهانی را می‌شکافد و عفونت را می زداید و بیمار را بهبود می بخشد.»(آرین پور، ۱۳۵۱: ۳۷)

«متأسفانه، در چهارده قرن گذشته، اغلب زمامداران، آرامش روح و شادمانی خاطر خویش را در کسب تعلقات دنیوی می‌جستند و با ریختن خون بی‌گناهان و بردن عرض و آبروی دیگران بر مسند قدرت قرار می‌گرفتند و خداوند، دین، عدالت و اخلاق، ابزار و وسایلی می‌شدند در دست آنان، برای فریب دادن مردم مظلوم.» (اندوهجردی، ۱۳۷۸: ۱۴)

۳-۲- زمینه‌های طنز

۱-۳-۲- طنز و زمینه‌ی جامعه شناختی آن: هرگز نباید جایگاه جامعه شناختی طنز از نظر دور داشته شود، اغراق نیست، اگر طنزپرداز را یک جامعه‌شناس و طنز را یکی از ضرورت‌های اجتماعی معرفی کنیم،

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

اصولاً منبع الهام اغلب هنرمندان و شاعران طنزپرداز را می‌توان در عوامل محیطی روزگارشان جست و جو کرد. در واقع بسیاری از آثار هنری و ادبی زاییده‌ی زندگی اجتماعی هنرمند وشاعری وطنز پردازی است، که در آن محیط رشد کرده و بالیده است. اگر شعر و طنز ندای احساس شاعر و بازتاب افکار و اعتقاد او می‌باشد، محرک این احساس‌ها و اندیشه‌ها، زمان و مکان زندگی و زمان و مکان زندگی شاعر و طنزپرداز است. بنابراین اندیشه‌ی هنرمند و شاعر طنزپرداز منبعث از محیط زندگی و زمان حیات آنها بستگی دارد. (زرین کوب؛۱۳۷۲ : ۷۶-۷۵) پس باید توجه داشت که محیط ادبی از تأثیر محیط اجتماعی برکنار نیست.

۲-۳-۲- طنز و زمینه‌های اخلاقی آن: طنز با طعنه و کنایه بر خلق وخوی ناشایست آدمی، رفتارهای زشت او را مورد تمسخر قرار می‌دهد، همیشه به این نکته باید توجه داشت، که چگونه کردار انسان نیک و پسندیده می‌گردد، در واقع، طنز شناسنده اخلاق نیک انسانی است؛زیرا عاطفه‌ها خواهش‌های نفسانی، خشم اجتماعی وکینه توزی های سیاسی عاملی برای پدیدار گشتن طنز می باشد از این رو طنز حیطه‌ی فعالیت‌های خودرا متمرکز بر اصول اخلاقی کرده، ابتذال و کج روی اخلاقی را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد، و طنزپرداز در جامعه با صحنه‌های زشت و ضد اخلاقی مواجه می‌گردد، و منقلب شده و متناسب باگستردگی و شدت خطا و لغزش احساس‌های گوناگون خشم، انزجار، انکار، تحقیر را نسبت به شخص یا گروه خاصی ابراز می‌دارد، و این امر زمانی اتفاق می‌افتد که وجدان طنزپرداز درباره‌ی پلیدی و زشتی امری داوری می کند. همین امر باعث شکوفایی جنبه های ادبی و هنری طنز می‌شود. (سیاسی ؛ ۱۳۳۷ :۶۶)

۳-۳-۲- طنز و زمینه‌های تاریخی آن: هیچگاه نباید جایگاه تاریخی طنز از نظرها دور داشته شود؛ زیرا در برخی مواقع طنز با همان لحن گزنده و تمسخر آمیزش، راوی واقعیت‌های تاریخ می‌شود، واقعیت‌هایی که هیچ تاریخ‌نگاری یار ای برملاکردن آنان را ندارد. طنز، بیان‌کننده‌ی تاریخ حقیقی اجتماعی انسانی است، زمامداران امور هیچ وقت نمی‌توانند طنز پرداز را وادار کنند که دست به سانسورحقیقت‌ها بزنند، یا دروغ پردازی کنند. شاعران و نویسندگان طنز پرداز یگانه تاریخ نگاران صداقت پیشه عصرخویشند شعرها و حکایت‌های آنان حکم آیینه تمام نمای تاریخ روزگار را دارند. هنرنویسان باکمترین واژه‌ها بیشترین مضمون‌ها و حادثه‌هایی را که بر ملتی رخ می‌دهد، بیان می‌کنند. (آصف الحکماء؛ ۱۳۳۷ : ۲۲۴)

٤-۳-۲. طنز و زمینه‌های هنری آن: خداوند توانایی‌های زیادی را در وجود انسان قرار داده است که یکی از آن نشانه‌های خداوندی، توانایی ابداع وخلقت هنری در انسان می‌باشد. هر هنرمندی اعم از شاعر، نویسنده، طنزپرداز، مجسمه‌ساز، نقاش، یا موسیقی دان برای خلق یک شاهکار هنری محتاج دید، تفکر و بیان هنرمندانه است. در واقع اساسی‌ترین بخش خلقت یک اثر هنری نحوه‌ی بیان آن می‌باشد. وظیفه یک هنرمند در اصل، عرضه نوین، نوآوری در تعبیر بیان هنرمندانه‌ی فکرها دریافت‌ها و اعتقادهاست. قدرت بیان و استعداد خدادادی می‌باشد که خداوند در نهاد انسان به ودیعه نهاده است و غرض از آن تنها توانایی سخن گفتن نیست، این بیان همان قدرت فهم و دریافت و به کارگیری تصورها، و واژه‌ها و وسایل

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

گوناگون، برای آشکار کردن وتجسم بخشیدن به احساس‌ها است. در حقیقت، ابزار آلات بیان فقط زبان و تکلم کردن نیست، وسیله ی بیان، ممکن است موسیقی، نقاشی، طراحی، صدا و آواز، مجسمه سازی، طنز، فکاهی و غیره باشد. لازم به ذکر است، که طنز یکی از اصلی ترین و موثرترین سبک‌های بیان هنری است. یکی از ویژگی‌های بارز طنز بیان هنری آن است. طنزنویس به کمک صنعت‌های بدیعی همچون تشبیه، مجاز، استعاره، کنایه وغیره به بیان مطلب می‌پردازد، همین امور جذابیت سخن طنزپرداز و فراگیری طنز را بیشتر می کند. (شفیعی کدکنی ؛۱۳۸۳: ۱۴۸- ۱۳۹)

۳- بررسی حوزه‌های نقد در طنزهای سعید بیابانکی

۳ -۱- مسائل مربوط به نهاد اقتصادی

یکی از اصلی‌ترین و محوری‌ترین مسائل و مشکلاتی که در دوران تألیف این آثار گریبان‌گیر مردم جامعه است مسائل اقتصادی و مسأله‌ی تأمین معیشت افراد است. شاعر نیز که از طرفی از عمق دردهای مردم آگاه است و از طرف دیگر خود نیز درگیر بعضی از این مشکلات بوده به مسائل اقتصادی توجه و نگاه ویژه‌ای داشته است و کمبودها و معضلات اقتصادی زندگی مردم را بازبانی طنزآمیز بیان کرده است. مسائل اقتصادی عنوان شده در این آثار را می‌توان به صورت زیر بیان کرد.

فقر عمومی مردم و دشواری‌های زندگی: مسأله‌ی گرانی و تورم از مسائل عام و فراگیر دوره زندگی شاعر است. همچنین کمبود اجناس و کالاهای اساسی و ضروری زندگی که به نوعی خود از عوامل بیشتر شدن گرانی است نیز درجامعه معضلی اساسی به شمار می‌رفته است. در سراسر این آثار شاهد طرح و نقد این دو مسأله به عنوان پررنگترین و پرتکرارترین مسائل اقتصادی هستیم. شاعر فقر عمومی مردم و دشواری‌های زندگی را در نمونه‌های زیادی یادآوری می کند:

«حالا که در به در شده‌ایّ و عیال‌وار آتش بزن یکی پر سیمرغ، زال‌وار
ای چرخ! غافلی که چه بیداد کرده‌ای کندی تو پوست از سر من، پرتقال‌وار...
اصلا به پشت بام بیا، هی به این و آن چون ماه نو نشان بده ما را هلال وار
با یک زبان که حرف دلم حالی ات نشد با ده زبان جدال کنم با تو لال وار» (بیابانکی، ۱۳۹۳ : ۱۰-۹)

همچنین در این زمینه به مسأله‌ی بی‌ثباتی بازار و تغییرات غیرقابل پیش‌بینی اقتصادی اشاره‌های زیادی شده است. از میان این اشاره‌های بسیار فراوان می‌توان نمونه‌های زیر را برای مثال ذکر کرد:

«شاعری از شدت شیرین زبانی سکته کرد تاجری در حجره از شوق گرانی سکته کرد

او که بردندش سرشب، شاعری مشهور بود نصف شب گفتند: بیمار روانی سکته کرد» (بیابانکی، ۱۳۹۳ : ۱۷).

در مجموعه ضدحالات نویسنده به فقر خانواده می‌پردازد که چگونه خانواده با آن روبرو بوده و با این پدیده اجتماعی فقر به سر می‌برند: «پدر و مادرم بی‌تقصیر بودند. لباس ورزش گران بود. پدر هم یکسال

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

بود بیکار بود. از وقتی کارخانه ریسندگی برادران تعطیل شده بود پدرم آمده بود نشسته بود کنج خانه. مادرم برای اینکه من در مدرسه احساس سرخوردگی نکنم رفته بود یک جفت کفش اسپرت رنگ و رو رفته و کهنه از پسرعمویم گرفته بود. شلوارم هم از برادر بزرگترم بود که حالا رفته بود سربازی. پیراهنم را هم مادرم از کهنه فروشی‌هایی که هر چهارشنبه نزدیک مسجد محل بساط می‌کردند خریده بود.» (بیابانکی، ۱۳۹۰: ۴۹)

مسأله‌ی بیکاری در جامعه: در جامعه‌ی بحران زده‌ای که نرخ تورم و گرانی اجناس و خدمات رشد روز افزون دارد مسلماً مسأله‌ی اشتغال از مهمترین و اساسی‌ترین نیازهای افراد جامعه ـ به خصوص جوانان ـ است. با مطالعه‌ی این آثار در می‌یابیم که یکی از اصلی‌ترین مشکلات مردم مسأله‌ی اشتغال است. کمبود فرصت‌های شغلی مناسب برای جوانان، به خصوص افراد تحصیل کرده‌ای که پس از سال‌ها تحصیل انتظار دارند تا با یافتن شغلی مناسب هم از اطلاعات و مهارت‌های خود استفاده کنند و هم منبع درآمدی داشته باشند، از معضلات اجتماعی به شمار می‌رود. مسلماً بیکاری افراد منجر به تولید مشکلات دیگری نیز می‌شود که بیابانکی از ذکر و طرح آنها نیز غافل نیست. در شعر «مسقطی» فقر و بیکاری به هم گره خورده است و نومیدی جوانان در یافتن کار و نومیدی در درامد آشکار است:

«پدر جان! سلامٌ علیکم؛ من از شهر برایت سلام و دعا می‌فرستم.
مگر قدر آن روستا را بدانی برای تو قدری هوا می‌فرستم.
کمی صبر کن، جان بابا به زودی برایت کلاه و عصا می‌فرستم.
کمی صبر کن، بنده هم مثل «حافظ» برای تو اسب و قبا می‌فرستم.
من اینجا شب و روز مشغول کارم دو ماه است موشک فضا می‌فرستم.
. . . مگر کار و بارت حسابی بگیرد برایت دو نیسان گدا می‌فرستم.
خودم هم به‌زودی می‌آیم سراغت تو را هم به دارالشّفا می‌فرستم!» (بیابانکی، ۱۳۹۳: ۲۴-۲۳).

اوضاع نابسامان و رکود کار در طنز روایی «خاور دایی ابراهیم» بازنمایی می‌شود:

به به گل ابراهیم. کجایی سالار؟ دو سه ماهی میشه چشممون به جمالت روشن نشده. دلمون خیلی هواتو کرده بود به مولا.

دایی ابراهیم گفت خیلی مخلصیم سید. راستش چن ماهیه بار بهم نخورده بود. اوضاع بار از اون ور به این ور خیلی خرابه وگرنه مگه میشه ما بیایم بندر و تو قهوه خونه سید تاپ نشیم؟ (بیابانکی، ۱۳۹۰: ۳۸)

مسئله پولشویی نیز از مسائلی است که باعث مشکلات جدی در اقتصاد کشور است که هنوز لاینحل مانده و بیابانکی نیز از این موضوع در طنز خود بهره برده است و در قسمت اخبار بیست سال آینده اینگونه می‌آورد: «متخصصان ایرانی موفق شدند برای اولین بار دستگاه پولشویی را در کشور طراحی و تولید کنند. این دستگاه قادر است کلیه پول‌های کثیف رایج در بازار اعمم از اسکناس و سکه را کاملا بشوید. لازم به

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

ذکر است مشکل وجود پول‌های کثیف در بازار نزدیک ۳۰ سال بود که اقتصاد کشور را مورد آزار و اذیت قرار داده بود. . .» (بیابانکی، ۱۳۹۰ : ۵-۶).

تولید داخلی و واردات: اقتصاد و توسعه آن در گروه تولید داخلی است. هنگامی که تولید کاهش یابد نشانه ضعف و بیماری اقتصادی خواهد بود. در این زمینه شاعر بارها و بارها نداشتن تولید داخلی و جایگزینی آن با واردات بی‌رویه را در طنز خود بکار می‌گیرد. ناتوانی کشور در تولید داخلی و فراهم شدن زمینه واردات از دیگر کشورها را نقد می‌کند. در نمونه زیر شاعر بر این باور است که واردات از جزئی‌ترین کالا تا بزرگترین آن از چین صورت می‌گیرد و حتی محصولات فرهنگی و هویت ملی نیز به دیگر کشورها وابسته‌ایم:

«زشت است این که گیر سر از چین بیاوریم/ کبریت‌های بی‌خطر از چین بیاوریم
آورده‌ایم هر چه شما فکر می‌کنید / چیزی نمانده شعر تر از چین بیاوریم
هر چند توی کشور ایران زیاد هست / ما می‌رویم گور خر از چین بیاوریم
آورده‌ایم ما نمک از ساحل غنا / پس واجب است نیشکر از چین بیاوریم
هی نیش می‌زنند و عسل هم نمی‌دهند / زنبورهای کارگر از چین بیاوریم؟»(بیابانکی، ۱۳۹۱: ۴۴-۴۲).

شعر های «خفن‌تر» و «پکن» نمونه‌های دیگری از این نوع طنز اقتصادی بشمار می روند.

خفن‌تر:

«یک عدد نیسان به ما از پشت سر کوبید و در رفت
خودروی ملی لگن بود و از آن پس شد لگن تر» (بیابانکی، ۱۳۹۳ : ۴۳).

در شعر «سیب زمینی» شاهد انتقاد اقتصادی هستیم که در آن شاعر از واردات بی رویه اجناس و حتی میوه های خارجی به سیاست‌های اقتصادی دولت انتقاد می کند. نیز به ضعف اقتصادی کشور در زمینه تامین رفاه نسبی مردم معترض است و می‌گوید که یک لقمه نان به ما برسد کفایت می‌کند:

«ما را شمیم، سنجد و توت وطن خوش است ما میوه‌های مصری و چینی نخواستیم
تولید را پدر، سر جدت غلاف کن بابایمان درآمده، نی نی نخواستیم
یک لقمه نان به ما برساند همین بس است ما دولت چنین و چنان نخواستیم» (بیابانکی، ۱۳۹۱: ۶۸).

۲-۳- سیاست

ادارات دولتی و سیاست نقش به سزا و مستقیمی در زندگی اجتماعی و اقتصادی آحاد مردم و تأمین آسایش و رفاه افراد جامعه به عهده دارند. مسلم است که وجود ضعف و نقص در این ادارات و دستگاه‌ها نیز مستقیماً بر زندگی افراد تاثیرگذار است. در این آثار به کمبودها و نقص‌های مختلف دستگاه‌های اداری و دولتی اشاره‌های طنزآمیز فراوانی شده است و مسائل مربوط به این حوزه را می‌توان به صورت زیردسته بندی و ارائه کرد:

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

بی‌مسئولیتی کارمندان و عدم رسیدگی صحیح به امور: از دیگر مسائل و نقص‌های ادارات دولتی که در این آثار اشاره‌های فراوانی به آن شده است رواج بی‌مسئولیتی در میان کارمندان ادارات است و این بی‌مسئولیتی و به اصطلاح نبود وجدان کاری دربین کارمندان ادارات بی‌شک حاصل عواملی چون پایین‌بودن دستمزد کارمندان، تبعیض و توجه به روابط و مسائلی از این قبیل است. شاعر روش‌های کارمندان ادارات دولتی را برای فرار کردن از کار و شانه خالی‌کردن از مسئولیت، با زبانی طنزآمیز و گاهی آمیخته با اغراق شرح و توضیح داده است. در شعر «وضع حمل» این مسئله نشان داده شده است:

طبیب نسخه‌ی درد مرا چنین پیچید: دو وعده خوردن چایی به وقت چاییدن
معاونی که مشاور شده است می داند چقدر شغل شریفی است کشک ساییدن
به پیر میکده گفتم که چیست راه نجات بخواست جام می و گفت : ژاژ خاییدن
. . . صبا به حضرت اشرف ز قول بنده بگو : که آزموده خطا بود آزماییدن
تمام قافیه‌ها ته کشید غیر یکی خوش است خوردن چایی به وقت چاییدن !(بیابانکی، ۱۳۹۳ : ۲۲-۲۱).

ناکارآمدی ادارات: در میان مسائل و مشکلات موجود در سیستم‌های اداری و دولتی، شاعر به ناکارآمدی بعضی از ادارات خاص توجه و نگاه دقیق‌تری دارد و علت این امر هم این است که این ادارات طرف حساب همه‌ی مردم در تمام ایام هستند و بی‌شک ناکارآمدی این ادارات باعث به وجود آمدن شرایط سخت برای اغلب مردم می‌شود. از مطالب و مسائل نقل شده در آثار مورد بحث به راحتی می‌توان دریافت که در دستگاه‌های اداری و دولتی نابرابری و ظلم اجتماعی بسیار فراوان است. مهم‌ترین و بزرگ ترین نقص ادارات دولتی رواج توصیه و پارتی بازی است که مانند مرضی چنان فراگیر بوده که در اغلب موارد در ادارات به طور کلی روابط حکمفرما بوده و نه ضوابط. از عواقب و تبعات این امر هم رواج تبعیض در بین کارمندان ادارات است به طوری که بسیاری از کارمندان با وجود مهارت و وجدان کاری بالا هنگامی که مورد تعبیض مسئولین قرار می‌گرفته‌اند از کار خود دلسرد و مأیوس شده است. از دیگر معضلات اساسی موجود در دستگاه‌های اداری و دولتی رواج و شیوع رشوه خواری در بین کارمندان بوده که بیابانکی اشاره‌های فراوانی به این مسأله داشته است. از میان این ادارات خاص ناکارآمدی و مسأله ی عدم خدمت‌رسانی صحیح به مردم در این زمینه مسأله‌ای است که بیابانکی در طنز خود به آن تأکید دارد:

«آدمی که کار دارد، کار می‌خواهد چه کار؟ خانه‌ی بی‌بام و در، دیوار می‌خواهد چه کار؟
شاعری که شعر نو می‌گوید و شعر سپید، مثنوی یا مخزن الاسرار می خواهد چه کار؟
کاغذ او کاغذ سیگار باشد، بهتر است شاعر اصلاً کاغذِ آچار می خواهد چه کار؟
هم سفید و هم خز است و هم مُد امروز نیست مانده ام این ریش را «ستّار» می‌خواهد چه کار؟
آن صدای مخملی، بی ساز خیلی بهتر است من نمی‌فهمم «حسن» گیتار می‌خواهد چه کار؟
. . . هشت تا گُل خورده این دروازه بان تیره بخت من نمی فهمم دگر اخطار می‌خواهد چه کار؟

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

کار بسیار است و بیکاری کم و فرصت زیاد واقعا کشور وزیر کار می‌خواهد چکار؟!» (بیابانکی، ۱۳۹۳ : ۵۱-۵۲)

همچنین ندادن حقوق ایرانیان و تضییع آن در وزارتخانه نفت نیز در مجموعه ضدحالات بدان اشاره شده است: «وزارت نفت از مردم شریف ایران به دلیل تاخیر سه روزه در پرداخت پول نفت عذرخواهی کرد. وزارت نفت علت این تاخیر را افزایش ۳۰ درصدی قیمت جهانی نفت اعلام کرده و افزوده افزایش ناگهانی قیمت نفت در محاسبه سود مردم اختلالاتی ایجاد کرده که کارشناسان در حال محاسبه دقیق هستند که خدای ناکرده در حق مردم شریف ایران اجحاف نشود. وزارت نفت اظهار امیدواری کرده فردا پول نفت به حساب مردم شریف ایران واریز شود.» (بیابانکی، ۱۳۹۰ :۹).

۳-۳ موضوعات مربوط به نهاد اخلاق

یکی دیگر از مسائل کلان و نهادهای جامعه که مورد بحث بیابانکی قرار گرفته است، موضوعات و مسائل خاص در نهاد اخلاق است. البته مسلم است که موضوعات اخلاقی- فرهنگی و اجتماعی به آسانی قابل تفکیک از یکدیگر نیستند و مسلماً آنچه که در مباحث قبل به عنوان مسائل و معضلات اجتماع ذکر و بیان شد تأثیر مستقیم بر روی مسائل فرهنگی داشته و همچنین بالعکس، هر یک از مسائل فرهنگی هم در دیگر مسائل اجتماعی تاثیر گذار است. بنابراین می توان گفت که تفکیک، دسته بندی و نام گذاری موضوعات و معضلات جامعه صرفا جهت نظم دادن به امور کلی ذکر شده در این آثار طنز است.

مسائل مربوط به اخلاق در جامعه: از عمده‌ترین موضوعات و مسائل فرهنگی جامعه که در این آثار بسیار مطرح شده است، مسأله ی اخلاق در میان افراد جامعه است. همواره از رواج رذائل اخلاقی خاص در میان افراد اظهار تأسف می‌کند. البته می‌توان گفت که بعضی از مسائل خاص اجتماعی و مشکلات اقتصادی هم در نحوه ی برخورد افراد با یکدیگر در جامعه تاثیرگذار است.

رواج رفتارهای ضد اخلاقی مثل ریاکاری، حرص و طمع، چاپلوسی، دروغگویی، بی‌احترامی به حقوق افراد، سوء استفاده از اشخاص، فریب کاری، ظاهربینی، چشم و هم چشمی و حسادت و مسائلی از این قبیل که همگی نهایتا منجر به بدبینی افراد به یکدیگر و به تمام امور می‌شده است، از مسائلی است که به عنوان مسائل بسیار پر اهمیت به آنها پرداخته و به خاطر وجود این مسائل در جامعه‌ی خود اظهار تاسف کرده است.

علاوه بر مسائلی که ذکر شد بیابانکی به بعضی از رفتارهای مغایر با اخلاق هم اشاره کرده است که البته این رفتارها تا حدودی شخصی‌تر است و آسیب‌های آن متوجه افراد محدودتری می شده است. مسائل خاصی از قبیل خساست افراد، عادت به پرخوری و شکمبارگی، بی‌احتیاطی و بی‌توجهی به خطرات و مسائلی از این قبیل را می‌توان به عنوان نمونه های مطرح شده از سوی شاعر عنوان کرد:

هرگز ندهندش زن در کوچه و در برزن مانند رضازاده هر کس که وزین باشد

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

در کار گلاب و گل گفتند که حُکمت چیست؟ گفتم که همین خوب است، بگذار همین باشد
پیراهن ما را هم از پشت، کسی جر دارد من فکر کنم کارِ شیطانِ لعین باشد
خلقی شده گمراهت وقتی که به همراهت یک روز شهین باشد، یک روز مهین باشد
پایت به زمین باشد دستت به هوا باشد دستت به هوا باشد پایت به زمین باشد (بیابانکی، ۱۳۹۱ : ۶۰).

۲-۳-٤ مسائل مربوط به فرهنگ عمومی جامعه

علاوه بر مسائل اخلاقی که ذکر شد، نقص‌ها و معایب فرهنگی دیگری هم در جامعه وجود داشته که کم کم تبدیل به معضلی برای فرهنگ عمومی جامعه شده و به نحوی فرهنگ های خاصی را در جامعه تولید و رایج می‌کرده که برای افراد جامعه و همچنین فرهنگ کلی جامعه مضر و آسیب‌رسان است. این مسائل در مقایسه با رذائل اخلاقی که قبلا ذکر شد کلی‌تر و فراگیرتر بوده و البته میزان آسیب مردم از این مسائل هم به خصوص در طول زمان بیشتر و عمیق‌تر است:

«ماه من انگار قرص خواب مصرف کرده است شربت شیرآور مهتاب مصرف کرده است.
بره هایش را به ما داده است مصرف کرده‌ایم جیب ما را در عوض قصاب مصرف کرده است.
توی ماهی تابه سرخش می کنند و می‌خورند مثل ماهی هرکسی قلاب مصرف کرده است.
یک نفر از ترس ماموران و بیم خدا شیره را برده ست در محراب مصرف کرده است.
عاقبت نایاب خواهد شد پدر در پایتخت بس که قرص و شربت نایاب مصرف کرده است» (بیابانکی، ۱۳۹۳ : ۱۴-۱۳).

از دیگر نمونه‌هایی که در آثار بیابانکی بهانه‌ای برای طنز شده است ارتباط کلامی پسران و دختران است: «حکایت عاشق شدن من به روزگار خیلی خجالتی بودن و کم‌رویی من برمی‌گردد. فکر کنم سال ۶۱ بود و من دانش‌آموز سال اول دبیرستان. با خانواده رفته بودیم مشهد. در مسافرخانه‌ای نزدیک فلکه آب سابق رحل اقامت افکنده بودیم. از آنهایی که اتاق‌هایش دور تا دور حیاط بود و با یک چرخش چشم مثل چرخش دوربین فیلمبرداری می‌شد همه چیز و همه جا را رصد کرد. روز سوم اقامت ما بود. یک روز از پله ها داشتم می آمدم پایین که دختر خانمی در پاگرد راه پله مقابلم سبز شد. چشم در چشم هم دوختیم و او با دستپاچگی به من سلام کرد. این اولین باری بود که یک دختر غریبه به من سلام می کرد. با دستپاچگی جواب سلامش دادم و با عجله از پله‌ها آمدم پایین. پایین پله‌ها که رسیدم احساس کردم قلبم مثل فلان جای مرغ در حال تپیدن است. . . از فردای آن روز کار من شده بود مدام رصد کردن آن ضعیفه. اینکه ببینم اهل کجاست. اسمش چیست. تا کی هستند و از اینها. آن دختر را یکی دوبار دیدم ولی به هیچ عنوان شرایط گفتمان عاشقانه یا حتی اجتماعی فراهم نبود. . .» (بیابانکی، ۱۳۹۰ : ۷۹- ۸۰)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

٤-۳ مسائل مربوط به نهاد دین و مذهب

همانطور که بارها اشاره کردیم بیابانکی به تمام امور و وقایع جامعه و عصر خود با دقت و تیزبینی خاصی می‌نگرد و می‌توان چنین گفت که او از هیچ مسأله‌ای و هیچ زمینه‌ای از زندگی مردم غافل نیست. شاید به خاطر همین دقت و تیزبینی هم باشد که شاعر علیرغم نوع خاص طنز که برای نوشتن نثر و نظم برگزیده است، گاهی اعتقادات دینی و مذهبی را هم موضوع سخن خود قرار می‌دهد. البته باید گفت که در این آثار هرگز اساس اعتقادات دینی و مذهبی درجامعه، محور خلق طنز قرار نگرفته است و آنچه که باعث ناراحتی بیابانکی در این زمینه می‌شده، نحوه‌ی برخورد بعضی از افراد با مسائل و اعتقادات دینی و مذهبی است. عمده‌ترین نقص و کمبود در این زمینه که بیابانکی به آن اشاره کرده، مسأله‌ی سستی و ریاکاری بعضی از افراد در دین ورزی است. بیابانکی استفاده ی ابزاری و تظاهر گرایانه از دین را به شدت نقد و رد کرده است:

«این طرف گرچه مداد العلما موجود است آن طرف نیز دماء الشهدا موجود است.

در و دیوار پر از صوم و صلات است و دعا هر طرف می نگری قبله نما موجود است.

ذره ای جای تو وسوسه شیطان نیست تا بخواهد در این حجره، خدا موجود است.

. . . هست این حجره من راه میان بُر به خدا مهر و سجاده و تسبیح و عبا موجود است.

جیبی و تاقچه‌ای و بغلی و قدی همه جور آینه در حجره ما موجود است.

«کربلا منتظر ماست» نداریم ولی «هر که دارد هوس کرب و بلا» موجود است. . .» (بیابانکی، ۱۳۹۳ : ۵۳-۵۴).

همچنین در طنز «خاور دایی ابراهیم» به سستی مردم نسبت به مسائل دینی اشاره می‌شود. نویسنده در متن می‌گوید که مردم از مسجد به عنوان کارهایی غیر از کار دینی استفاده می شود زیرا نمازگزار ندارند:

راستش خیلی خوابم میاد. با مجید می ریم تو ماشین چن ساعتی می‌خوابیم. خروسخون هم به امید خدا می‌شینیم پشتش. سید گفت:

امشب که خیلی سرده قربونت برم. تو ماشین یخ می‌زنید. بذار این آقا مجید با خاطره خوش از پیش ما بره. امشب و بد بگذرون و توی قهوه‌خانه پیش ما بخواب. دایی ابراهیم گفت:

نه سید شما جات تنگه. مزاحم نمی‌شیم. همون تو ماشین راحت تریم. دمت گرم. نوکرتیم.

سید گفت:

اره بابا هنوز مشتری گیر نشده. چن شبه درو باز می ذارن که راننده ها اونجا بخوابن شاید واسه نماز صبح چن تا باشن پشت سر آقا کله معلق بزنن و زد زیر خنده.

دایی ابراهیم گفت:

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

جماعت بنی هندل و نماز؟ چه حرفا می‌زنی سید. این جماعتی که من می‌شناسم یه بارم پیشونی شون به زمین نرسیده. فقط تو فکر اینن یه تیغ تل بچسبونن و پف پف بدن پایین بعدشم یه آب شنگولی روش. اصلا این طایفه دائم الخمرن. ما رو نیگا نکن که اهل این برنامه‌ها نیستیم. (بیابانکی، ۱۳۹۰ : ۳۹)

همچنین مسأله‌ی حفظ ظواهر احکام شرعی بدون توجه به نفس و نیت اصلی دستورات هم مسأله ای است که بیابانکی به عنوان یک نقص در این زمینه مطرح کرده است:

«مادرم با پدرم بد شده است چون شنیده است که مرتد شده است

معصیت های کبیر پدرم صد و هشتاد مجلد شده است

فحش دادن به جناب ابوی منبع کسب درآمد شده است

هیچ کس چون که نشد ضامن او پدرم عازم مشهد شده است

عمه می آمده مهمانی ما وسط راه مردد شده است

علت این همه معضل این است که صلاحیت او رد شده است!» (بیابانکی، ۱۳۹۳ : ۶۱-۶۲)

مسأله‌ی بی‌توجهی افراد به دستورات واضح و روشن شرعی، مثل حرمت رباخواری و رشوه خواری که نهایتا باعث به وجود آمدن مشکلات زیادی برای افراد می شده، نیز در این آثار مطرح شده است.

۵-۳ حقوق

حقوق شهروندی: هر شهروند دارای حقوقی است که باید از طرف نهادهای سیاسی و اداری به رسمیت شناخته شود. در این میان مردم در قبال تحویل اموال خود به بانک‌ها باید از خدمات مناسبی برخوردار شوند و هنگام درخواست قسمتی از اموال شهروندان به آنها بازپس دهند. نویسنده در اینجا به مسئله و مشکلاتی می‌پردازد که در آن حقوق شهروندان از سوی بانک ها نقض می شود و برای آنان نیز مشکلاتی هم به وجود می آورد: «ممکن است شما وقتی به یک خودپرداز مراجعه می‌کنید با این پیغام مواجه شوید: دستگاه موقتا کار نمی‌کند به دستگاه دیگری مراجعه کنید. در این صورت فریب دستگاه را نخورید شاید دستگاه‌های دیگر هم قصد دارند همین پیغام را پخش کنن. همانجا بایستید و تا پولتان را نگرفته‌اید، نروید... اگر به هر دلیلی خودپرداز کارت شما را قورت دارد برای پس گرفتن آن از مشت و- لگد و بد و بیراه و فحش‌های بد استفاده نکنید. . . ممکن است دوربین مخفی بانک هم تصویر شما را ضبط کرده و شما را به جرم تشویش اذهان عمومی و تخریب اموال دولتی دستگیر کنند.» (بیابانکی، ۱۳۹۰ : ۵۹)

همچنین آلودگی‌های تصویری که باعث آزار شهروند می‌شود، نقد می‌کند. بیابانکی یکی از موارد نقض حقوق شهروند را در تبلیغات بی‌رویه می‌داند که بر روی دیوار و مکان عمومی استفاده می شود و نوعی آلودگی بصری ایجاد می کند:

«. . . حتما بازدیدکنندگان محترمی که از طریق متروی مصلا چشمشان به نمایشگاه روشن می‌شود، به راهروهای مترو و در و دیوار سالن انتظار و ایستگاه دقت کرده‌اند که با آگاهی تبلیغاتی چند تا از

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

آموزشگاه‌های کنکور کاغذ دیواری و کاغذ زمینی شده است؟ میزان این تبلیغات رنگارنگ که به مدد فناوری‌های مدرن چاپ، بسیار هم تلاش شده چشم نواز باشد آن قدر زیاد است که آدم یک لحظه فکر می‌کند وارد آموزشگاه کنکور شده. یا دارد می رود سر جلسه کنکور. یا اگر کمی هم اهل خیال پردازی باشد احساس می کند افتاده داخل یک چاپگر بزرگ از نوع جوهر افشان. . .» (بیابانکی، ۱۳۹۰ : ۶۹-۷۰)

مسلما شهری با وسعت و جمعیت بالا نیازمند مدیریت و رسیدگی عالی از سوی مسئولین نیز هست، اما با مطالعه ی این آثار درمی‌یابیم شهرها از نظر تأمین رفاه و امکانات برای شهروندان دچار کمبودها و نقائص فراوانی است. علت اصلی این نقائص و کمبودها نیز در وهله‌ی اول شهرداری است، چرا که این سازمان علیرغم صرف هزینه‌های بالا نهایتاً در تأمین رفاه شهروندان چنان که باید و شاید موفق نیست. شاعر به کمبودهای فراوانی چون عدم پاکیزگی خیابان‌ها و محلات، عدم نظارت صحیح بر نحوه‌ی ساخت و سازها، عدم مدیریت و اجرای علمی و کاربردی در اموری مثل جاده سازی و گسترش خیابان‌ها، نبود مکان‌های مناسب و کافی برای تفریحات سالم و ورزش شهروندان و اموری از این قبیل اشاره می‌کند. باید گفت که تمامی این مشکلات در شهرها عمیق‌تر و مسأله سازتر است. در این موارد هم بیابانکی مشکلات را با زبان طنز به تصویر می‌کشد:

«گر به شورا راه یابد پای من هرچه ویرانی است عمران می کنم
می‌روم هر شب به میدان‌های شهر هر چه ساعت بود میزان می‌کنم
مشکلات شهرتان را رتق و فتق پشت میز و پشت فرمان می‌کنم
کوچه های تنگ را هر شب فراخ هرچه بن بست است دالان می‌کنم
چاله‌های شهر را چاه عمیق هرچه دالان را خیابان می‌کنم
. . . هفته ای یک شب کلیسا می‌روم ارمنی‌ها را مسلمان می‌کنم
می فروشم کل اسراییل را پول آن را خرج لبنان می‌کنم
یک سخنرانی به نفع مسلمین در بلندی‌های جولان می‌کنم
مثل اقشار ضعیف اجتماع نوش جان سویای سبحان می‌کنم
هم صدایی هم دلی هم زیستی با سرای سالمندان می‌کنم. . .» (بیابانکی، ۱۳۹۱ : ۴-۷).

۲-۵-٤ حقوق مولف: حقوق مولف از دیگر موضوع‌های طنز بیابانکی است. «شاید شما هم سهم مولف، ناشر، پخش‌کننده و فروشنده کتاب را از قیمت پشت جلد ندانید. سهم مولف معمولا ۱۰ درصد، پخش‌کننده ۲۰ درصد، فروشنده ۳۰ درصد و ناشر ۴۰ درصد. که البته این درصدها ممکن است کمی بالا و پایین شوند ولی نکته جالب اینجاست که سهم مولف در هر شرایطی کمتر از بقیه است. جالب است نه؟ مولف یعنی خالق اثر یعنی کسی که اگر نباشد ناشر و پخش‌کننده و فروشنده محلی از اعراب ندارند سهمش از اثری که آفریده از همه کمتر است. . .» (بیابانکی، ۱۳۹۰ : ۷۷-۷۸).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

مسائل و حقوق زنان: بیابانکی را باید منتقد اجتماعی و نویسنده‌ای دانست که از لحاظ تفکر و شیوه‌ی نگاه به مسائل بسیار روشن بین و آزاداندیش است. بلکه اشاره‌ی او به بعضی از حقوق اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و اداری زنان جامعه نشانگر نگاه عمیق و همه جانبه‌ی او به مسائل روز است. البته ذکر این نکته هم لازم است که اشاره به چنین مواردی در این آثار کم و محدود است اما به خاطر ارزشی که نگاه و نظر بیابانکی در این باره دارد و باعث نمایاندن وضعیت و جایگاه حقوق زن در جامعه‌ی آن روز شده است؛ این موارد را هم ذکر کرده‌ایم.

«به من نیگا نکن آهای برادر خودت مگه نداری خار و مادر!

ماه و مگه تو نیمه شب ندیدی می خوای بگی تو خط لب ندیدی؟

صورت من یه کم اناری شده یه ریزه هم بتونه کاری شده

امل بی سواد ژل ندیده دهاتی خنگ ریمل ندیده

تقصیر خیاطای رو سیاهه مانتوی من اگه یه کم کوتاهه

. . . آهای مدیر پاک با سیاست من کجا و اماکن و حراست ؟

هم انقباضیه هم انبساطی کمیته ی مخوف انضباطی

نذار که دلتنگی مو هی کش بدم خوشگلی مو کجا نمایش بدم

حیفه جوونامون پسر بمیرن کاری کنین جوونا زن بگیرا. . . » (بیابانکی، ۱۳۹۱: ۸-۷).

٦-٤ مسائل مربوط به نهاد تعلیم و تربیت

بحث آموزش به عنوان اساسی‌ترین و زیربنایی‌ترین فعالیت فرهنگی در جامعه مطرح است. افراد از طریق نظام آموزشی به نوعی در معرض دریافت و آموختن مبانی اساسی فرهنگی و فکری هستند. دو سازمان آموزش و پرورش و آموزش عالی به عنوان متصدیان فرهنگی که مستقیماً تحت نظارت دولت بوده‌اند امر خطیر رواج فرهنگ صحیح در جامعه را عهده‌دار بوده‌اند. اما این دو سازمان هم مثل بسیاری از ادارات و بخش‌های دولتی دچار ضعف و کمبودهایی بوده‌اند که بیابانکی به آنها اشاره کرده است. علاوه براین موارد در تعلیم و تربیت موارد دیگر همانند رسانه‌ها نیز دخیل‌اند.

آموزش و پرورش: آنگونه که از مطالب این آثار بر می‌آید، اساسی‌ترین نقص نظام آموزش‌وپرورش ناتوانی و ناکارآمدی این نظام آموزشی در تعلیم دانش‌آموزان است. و همچنین بی‌توجهی به تعلیم و تربیت صحیح دانش آموزان در مدارس هم از نکاتی است که شاعر نقد کرده است.

«اساسا مدرسه جای مفیدی ست ولیکن پنج سال ابتداییش» (بیابانکی، ۱۳۹۳ : ۳۲)

با توجه به متن «سکته ملیح» در قسمت «گل‌های کاغذی» معلوم و مشهود است که در نظام آموزشی در مدارس در دانش‌آموز ایجاد نفرت می‌کند و از سوی دیگر ایجاد عشق. یعنی دانش‌آموز در مدرسه دچار دو نوع احساس متعارض است و درس‌ها را در دو دسته خوب و بد تقسیم می‌کند و به یک دسته عشق

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

می‌ورزد و از دسته مقابل نفرت دارد این مسئله ریشه در دشواری درس دارد. در این متن احساس نفرت در دانش‌آموز نسبت به درس به خوبی نشان داده می شود:

«اگر از من بپرسند از چه درسی بیشتر بدت می‌آید می‌دانید می‌گویم چه؟ حتما فکر می کنید مثل همه تنبل‌های جهان می‌گویم ریاضی یا مثلا تاریخ یا جغرافی یا حتی املاء و انشاء. بچه‌ها کلی با انشاهای من کیف می‌کنند. اما وای حالم از زنگ ورزش بهم می‌خورد. نه بخاطر اینکه باید بدوم و خسته شوم. . .» (بیابانکی، ۱۳۹۰ : ۴۹).

آموزش عالی: آموزش عالی هم مثل آموزش‌وپرورش دچار ضعف‌هایی بوده و به نوعی دنباله رو و ادامه‌دهنده‌ی همان ضعف‌های اساسی در تعلیم و تربیت جوانان است. اساسی‌ترین ضعف آموزش عالی که در این آثار مطرح شده، کمبود دانشگاه‌ها علیرغم متقاضیان فراوان ورود به دانشگاه است، بیابانکی نحوه‌های پذیرش افراد در دانشگاه‌ها را هم بسیار ضعیف و ناعادلانه توصیف می‌کند. همچنین عدم انطباق علاقه های شخصی افراد با رشته‌های تحصیلی شان و نهایتا ناکار آمد بودن تحصیلات و اطلاعات افراد و عدم توانایی و مهارت فارغ التحصیلان هم به عنوان معایب آموزش عالی ذکر شده است. مشکل کمبود دانشگاه و سختی ورود به دانشگاه‌ها باعث می شده که افراد برای تحصیل به خارج از کشور مهاجرت نمایند، که این امر هم خود به وجودآورنده‌ی مشکلات زیادی برای جوانان است که بیابانکی با اظهار تأسف از این وضع، به ذکر آنها می‌پردازد.

«نمی دانم امسال چند قرار است در آزمونات سراسری شرکت کنند؟ یک میلیون نفر یا بیشتر؟ یا آمار درست و درمانی وجود دارد که معلوم شود سالانه چند درصد از بازدیدکنندگان نمایشگاه تهران را تشنگان علم و عاشقان دانش یعنی همین کنکوری‌های عزیز تشکیل می‌دهند؟ اگر فرض کنیم همه ذاوطلبان محترم آزمونات سراسری از دولتی و آزاد و رایانه‌ای و یارانه‌ای و زیر خط فقر و بالای خط فقر و بومی و غیربومی و آنها که سوال می‌خرند و آنها که سوال می فروشند هم از نمایشگاه بازدید کنند فکر می‌کنید این رقم در قیاس با کل بازدیدکنندگان نمایشگاه کتاب چه درصدی خواهد بود؟ به هر حال قطعا درصد بالایی نیست.» (بیابانکی، ۱۳۹۰: ۶۹)

از دیگر معایب نظام آموزشی در ایران کنکور است که باعث تلف شدن وقت و دانش‌آموز برای راه یابی به دانشگاه می‌شود و از سوی دیگر تاثیر در دانش‌افزایی در مراحل بعدی تحصیل ندارد این وضعیت سلسله کنکورها هزینه‌های مالی زیادی نیز از جوانان می‌گیرد:

«خواهران و برادران عزیز! همه اهل کتاب و اهل تمیز
سال تحصیلی جدید آمد خوشتان شد دوباره عید آمد
باز هم فصل برگ ریزان شد کیفتان کوک بود، میزان شد
ای عزیز دل برادر، هان! خواهر محترم، برادر جان!
یا به تزویر، یا به زر، یا زور رد شدی فاتحانه از کنکور

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

پای درس معلمی وراج هاج ماندی و واج و خواندی گاج
مثل آینده ات بلاتکلیف سال ها با مدرّسان شریف
. . . حیف آن چشم های خوشگل نیست شأن تو برتر از اراذل نیست؟» (بیابانکی، ۱۳۹۱: ۳۰-۲۹).

٦-۳- مسائل تربیتی

شیوه‌های تربیتی والدین ونحوه‌ی برخوردآنها با فرزندان و همچنین رفتار فرزندان با والدین هم از مسائل فرهنگی‌ای است که ضعف‌ها و نقص‌های آن ذکر و بیان شده است. در این زمینه بیابانکی به افسار گسیختگی بعضی از جوانان و بی‌توجهی فرزندان به موقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی خانواده‌شان و پرتوقع بودن نوجوانان و جوانان اشاره‌هایی کرده است.

در چنین مواردی اغلب بیابانکی به مقایسه‌ی جوانان دوران گذشته با جوانان عصر حاضر پرداخته و از رواج بی‌احترامی به مقام پدر و مادر در بین جوانان و مسائلی از این قبیل اظهار ناراحتی کرده است، و یا به رواج عادات و رفتارهای نادرستی مثل گرایش جوانان به مواد مخدر اشاره کرده است.

در بعضی از موارد بیابانکی عامل اصلی این رفتارها را خود والدین و عدم موفقیت آنها در تربیت فرزندان دانسته است.

٤-۷ نهاد خانواده

در نوشته «سفر به تاجیکستان» زحمت و تلاش مرد در خانواده و انفعال زنان و راحتی و آسایش آنان موضوعی برای طنز است. «از فواید دیگر سفر به تاجیکستان این است که اگر زن‌های ایرانی بروند و زن تاجیکی را ببینند به ایران که برگشتند این قدر به شوهرهایشان غر نمی‌زنند که چرا دیر آمدی یا چرا خسته‌ای یا اوقات نداری و غیره. چرا که در تاجیکستان حتی رفتگرهای کوچه و خیابان هم زن‌ها هستند و مردها کمتر سرکار می روند و مردها در خانه زیر کولر می‌خوابند و برای خودشان برنامه کودک و تام جری و مسابقه سیمرغ و با کاروان شعر و موسیقی تماشا می‌کنند» (بیابانکی، ۱۳۹۳ : ۶۴ -۶۵)

همسر مهربان من باز آ تا بخندیم و قس علی هذا. . . !
خانه بی تو اگرچه بی شام است همه جا ساکت است و آرام است
دوری چانه‌ی تو را دیده تلفن هم گرفته خوابیده
تو بلایی شبیه رایانه بی بلا هم مباد این خانه
گرنیایی به سینه ی دیوار می زنم عکس‌های مسئله دار
چندتایی زن هنر پیشه گرم کن های سردی گیشه
عکس مهناز خانم افشار پوستر نوجوانی گلزار
چندتایی ربات کوکی هم عکسی از مهدی سلوکی هم

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

چندتا پوستر نر و ماده مثلا زاده. . !

. . . با توام با تو مهربان همسر تف به شیطان بی پدر مادر

طرح فرهنگی مرا بپذیر جان من بیش از این بهانه مگیر:

با تو من آشتی نخواهم کرد با همان پا که رفته ای برگرد!»(بیابانکی، ۱۳۹۱ : ۲۳-۲۱).

۲-۵ نتیجه گیری

بیابانکی از عمق دردهای مردم آگاه است و از طرف دیگر خود نیز درگیر بعضی از این مشکلات بوده به مسائل اقتصادی توجه و نگاه ویژه‌ای داشته است و کمبودها و معضلات اقتصادی زندگی مردم را بازبانی طنزآمیز بیان کرده است. در سراسر این آثار شاهد طرح و نقد این دو مسأله به عنوان پر رنگترین و پر تکرارترین مسائل اقتصادی هستیم. شاعر فقر عمومی مردم و دشواری‌های زندگی را در نمونه‌های زیادی یادآوری می‌کند. همچنین در این زمینه به مسأله‌ی گرانی و تورم، بی‌ثباتی بازار و تغییرات غیرقابل پیش‌بینی اقتصادی اشاره‌های زیادی شده است. در طنز بیابانکی فقر و بیکاری به هم گره خورده است و نومیدی جوانان در یافتن کار و نومیدی در درآمد آشکار است. چند شغله بودن مسئولان و بیکاری جونان، اوضاع نابسامان و رکود کار، مسئله پولشویی نیز از پدیده هایی است که بیابانکی در طنز خود از آن بکار می‌گیرد. از سوی دیگر شاهد طنزهایی هستیم اقتصادی که شاعر از واردات بی‌رویه اجناس و حتی میوه‌های خارجی به سیاست‌های اقتصادی دولت انتقاد می‌کند. نیز به ضعف اقتصادی کشور در زمینه تامین رفاه نسبی مردم معترض است.

در این آثار به کمبودها و نقص‌های مختلف دستگاه‌های اداری و دولتی اشاره‌های طنزآمیز فراوانی شده است و مسائل مربوط به این حوزه را می‌توان به صورت زیردسته‌بندی و ارائه کرد. شاعر روش‌های کارمندان ادارات دولتی را برای فرار کردن از کار و شانه خالی کردن از مسئولیت، با زبانی طنز آمیز و گاهی آمیخته با اغراق شرح و توضیح داده است. یکی دیگر از معضلات بخش اداری و کارهای دولتی که دقیقا به عنوان یک خلأ بزرگ در دستگاه‌های اداری وجود دارد و بیابانکی همواره با اظهار تأسف فراوان با طنزی تلخ از آن یاد می‌کند مسأله‌ی عدم مدیریت صحیح در ادارات است که مسلما این نبود مدیریت صحیح منجر به عواملی مثل خطا و اشتباه مدیریتی، اتلاف نیروی انسانی، اتلاف بی مورد هزینه های دولتی است. در اغلب موارد وضعیت اسفناک و معیوب ادارات دولتی را به خوبی مجسم و منعکس می کند. بیابانکی اشتباهات و خطاهای مدیریتی و ناکارآمدی مسئولان را نمایش می‌دهد. شاعر با زبان طنز از سران دولت انتقاد می‌کند و با بیان کنایه‌آمیز به اعتراض می‌پردازد. با اعتقاد به پیوند سیاست و اقتصاد روی سوی دولت می‌کند و مشکلات اقتصادی را در سیاست‌های دولت می‌بیند و از وعده های پوچ و دروغین کسی حکایت می‌کند که همین وعده ها باعث فریب مردم می‌شود و با انتخاب به عنوان نماینده ملت وعده‌های خویش را فراموش می‌کند و برخلاف وعده‌هایش عمل می‌کند. از دیگر معضلات اساسی موجود در

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

دستگاه های اداری و دولتی رواج و شیوع رشوه‌خواری در بین کارمندان بوده که بیابانکی اشاره‌های فراوانی به این مسأله داشته است. از میان این ادارات خاص ناکارآمدی و مسأله ی عدم خدمت‌رسانی صحیح به مردم در این زمینه مسأله‌ای است که بیابانکی در طنز خود به آن تأکید دارد. از دیگر مسائلی که در ابعاد طنز قابل بررسی است و بیابانکی نیز بدان پرداخته است مسئله نقد است. در اشعار به طنز درباره شخصیت های سیاسی و سیاست دولت نیز اشاره دارد.

موضوعات و مسائل مربوط به نظام آموزشی، مسائل مربوط به رسانه‌های جمعی، مسائل مربوط به اعتقادات دینی و مذهبی، مسائل مربوط به اخلاق در جامعه، مسائل مربوط به فرهنگ عمومی جامعه و مسائل تربیتی رابطه تنگاتنگی با اخلاق دارند.

رواج رفتارهای ضد اخلاقی مثل ریا کاری، حرص و طمع، چاپلوسی، دروغگویی، بی احترامی به حقوق افراد، سوء استفاده از اشخاص، فریب کاری، ظاهربینی، چشم و هم چشمی و حسادت از مسائلی است که بیابانکی به عنوان مسائل بسیار پر اهمیت به آنها پرداخته و به خاطر وجود این مسائل در جامعه ی خود اظهار تاسف کرده است. بیابانکی به بعضی از رفتارهای مغایر با اخلاق هم اشاره کرده است که البته این رفتارها تا حدودی شخصی تر است و آسیب های آن متوجه افراد محدودتری می شده است. مسائل خاصی از قبیل خساست افراد، عادت به پرخوری و شکم‌بارگی، بی‌احتیاطی و بی‌توجهی به خطرات و مسائلی از این قبیل را می‌توان به عنوان نمونه‌های مطرح شده از سوی بیابانکی عنوان کرد. از دیگر نمونه‌هایی که در آثار بیابانکی بهانه‌ای برای طنز شده است ارتباط کلامی پسران و دختران است. و دخالت در زندگی و کار دیگران را غیر اخلاقی می‌داند.

عمده‌ترین نقص و کمبود در این زمینه که بیابانکی به آن اشاره کرده، مسأله ی سستی و ریاکاری بعضی از افراد در دین‌ورزی است. بیابانکی استفاده‌ی ابزاری و تظاهرگرایانه از دین را به شدت نقد و رد کرده است. مسأله‌ی حفظ ظواهر احکام شرعی بدون توجه به نفس و نیت اصلی دستورات هم مسأله‌ای است که بیابانکی به عنوان یک نقص در این زمینه مطرح کرده است. مسأله‌ی بی‌توجهی افراد به دستورات واضح و روشن شرعی، مثل حرمت رباخواری و رشوه‌خواری که نهایتا باعث به وجود آمدن مشکلات زیادی برای افراد می‌شده، نیز در این آثار مطرح شده است. از سوی دیگر آمیختن هنر و دین را موضوعی مناسب در هنر طنز بکار می‌گیرد و سوی نظر به کسانی دارد که از در دیدگاه یا تفسیرشان هنر، مغایر دین است. و رانت خواری و بسیاری از مناسبات فرهنگی را جدای از دین می‌داند. از مناسبات فرهنگی و دینی در نظام فرهنگ ایرانی و دین اسلام رعایت محرمیت است که توسط شاعر نقض این مسئله در طنز نشان می‌دهد.

دو سازمان آموزش‌وپرورش و آموزش عالی این دو سازمان هم مثل بسیاری از ادارات و بخش های دولتی دچار ضعف و کمبودهایی بوده‌اند که بیابانکی به آنها اشاره کرده است. علاوه براین موارد در تعلیم و تربیت موارد دیگر همانند رسانه‌ها نیز دخیل‌اند. آن‌گونه که از مطالب این آثار بر می آید، اساسی ترین نقص نظام آموزش‌وپرورش ناتوانی و ناکارآمدی این نظام آموزشی در تعلیم دانش‌آموزان است. همچنین

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

بی‌توجهی به تعلیم و تربیت صحیح دانش‌آموزان در مدارس هم از نکاتی است که شاعر نقد کرده است. در شعر بیابانکی مشهود است که در نظام آموزشی در مدارس در دانش‌آموز ایجاد نفرت می‌کند و از سوی دیگر ایجاد عشق. یعنی دانش‌آموز در مدرسه دچار دو نوع احساس متعارض است و درس‌ها را در دو دسته خوب و بد تقسیم می‌کند و به یک دسته عشق می‌ورزد و از دسته مقابل نفرت دارد این مسئله ریشه در دشواری درس دارد. همچنین عدم انطباق علاقه‌های شخصی افراد با رشته‌های تحصیلی‌شان و نهایتا ناکارآمد بودن تحصیلات و اطلاعات افراد و عدم توانایی و مهارت فارغ التحصیلان هم به عنوان معایب آموزش عالی ذکر شده است.

در طنز بیابانکی از معایب نظام آموزشی در ایران کنکور است که باعث تلف شدن وقت و دانش‌آموز برای راه‌یابی به دانشگاه می‌شود. این وضعیت سلسله کنکورها هزینه‌های مالی زیادی نیز از جوانان می‌گیرد. بیابانکی به افسار گسیختگی بعضی از جوانان و بی‌توجهی فرزندان به موقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی خانواده‌شان و پرتوقع بودن نوجوانان و جوانان اشاره‌هایی کرده است. همچنین رواج روابط خاص و پنهانی بین دختران و پسران و آسیب‌های ناشی از این روابط برای طرفین را هم مطرح کرده است و در این مورد به ازدواج‌های غلط و ناموفق که طبیعتا به مرور زمان به نحوه‌ی شکل‌گیری فرهنگ‌های خاص در این زمینه منجر می‌شده نیز اشاره کرده است.

از دیگر مواردی که در ذیل سایر مضامین شعری بیابانکی ذکر کرد می‌توان به پدیده‌های صنعتی و دیجیتالی، پزشکی، شخصیت‌های ادبی و، هنری و. . . اشاره کرد که در ذیل نهادهای هفتگانه نمی‌توان دسته بندی کرد.

این مجموعه شعر سکته ملیح، بیشتر از لحاظ بسامدی بیشتر اشعار به سایر مواردی که در ذیل نهادها نمی‌گنجند، اختصاص دارند. در میان مضامین و ابعاد طنز سیاسی و اقتصاد دارای بسامد بلاتری است و نهاد دینی و تعلیم و تربیت کمتر در طنز وی مشاهد می‌شود.

در مجموعه اشعار هی شعر تر انگیزد، مسئله سیاست اهمیت بیشتری دارد. اقتصاد نیز از اهمیت دوم برخوردار است. نهاد اخلاق و در نهایت حقوق شهروندی و سپس دیگر نهادها دارای ترتیب بسامدی هستند.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

فهرست منابع و مآخذ

۱- آرین پور، یحیی. (۱۳۸۷). از صبا تا نیما. دو جلد، چاپ ششم، تهران: زوار،

۲- . . . (۱۳۵۱). از صبا تا نیما. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

۳- آصف الحکما، محمدهاشم. (۱۳۳۷). رستم التواریخ، محمد مشیری تهران، انتشارات البرز.

۴- اندوهجردی، حسین. (۱۳۷۸). طنز و طنزپردازان در ایران. تهران: صدوق.

۵- بیابانکی، سعید . (۱۳۹۰). «ضد حالات»، تهران، انتشارات مروارید.

۶- . . . (۱۳۹۳). «سکته ملیح» ، تهران، انتشارات شهرستان ادب.

۷- . . . (۱۳۹۱). «هی شعر تر انگیزد»، مشهد، انتشارات سپیده باوران.

۸- جوادی، حسن. (۱۳۸۴). تاریخ طنز در ادبیات فارسی. تهران:کاروان، چاپ اول،

۹- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۲). آشنایی با نقد ادبی، تهران، نشر سخن.

۱۰- . . . (۱۳۸۱). شعر بی دروغ، شعر بی نقاب، تهران: علمی.

۱۱- سیاسی، علی اکبر(۱۳۳۷) منطق و فلسفه، تهران، انتشارات البرز.

۱۲- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۳). صورخیال در شعر فارسی، تهران، نشر نو.

۱۳- کافی، غلامرضا. (۱۳۸۸). شرح منظومه ظهر (نقد و تحلیل‌های شعرهای عاشورایی از آغاز تا امروز، چاپ دوم، تهران: مجنمع فرهنگ عاشورا.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-06]